



Letters of Repentance and Legitimization of the Safavid Dynasty

Sayyed Muhsen Husayni 

researcher, Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi, Mashhad, Iran. E-mail: smhossini81@yahoo.com

Sousan Nikjou 

M.A., in History, Islamic History Period, Mashhad, Iran. E-mail: sosannickgou@yahoo.com

Abstract

Objective: The present research is intended to investigate the process of legitimization of Safavid dynasty in the interaction between sultan and jurist or, in other words, to explain the process of Safavid rule's turning legal-conventional with centrality of repentance.

Research method/approach: This writing is entirely based on the fundamental theory and the survey of those who have experienced this process. Accordingly, the present research, by simultaneous analysis and continuous comparison between the data during the research process and by relying on inductive thinking with an emphasis on creating concepts (Islamic rule, jurist, Sultan [just, unjust], justice, welfare, security, criminal law, the rights of Allah, the rights of people, enjoining good and forbidding evil, repentance, etc.) has established a relationship between these categories and by taking into consideration the comparative thinking simultaneous to them, has explained, supported, deduced and produced the theory proposed during the research process.

Findings and results: The principles of the legitimacy of the Safavid rule have been examined, with an emphasis on the documents of repentance left among the anthologies, manuscripts and stone edicts of the congregational mosques of the Safavid era. From among these, 4 cases are from the letters of repentance of Safavid kings, 4 cases are from the emirs and commanders of the Safavid army, and one case includes the repentance of the public. The process of compiling the Shi'a political jurisprudence following the efforts of Shi'a jurists and planning the principles of interaction with sultans, both unjust and just, upon the rise of the Shia Safavid rule, practically brought the jurists into a new phase concerning the implementation of the legal rulings of Shi'a jurisprudence. The jurisprudential-political theory proposed by some Safavid scholars such as Muḥaqqiq al-Karakī led to the formation of a new political-jurisprudential literature in the field of Shi'a political thought. One of these discourses, and in fact the most fundamental and the most important of them, which first led to the strengthening of the Safavid government and, prior to it, the strengthening of the political, legal and conventional status of the jurists and making the government more jurisprudential, is the discourse of repentance. Examining the status of repentance and the content classification of repentance documents shows that the process of writing repentance letters, especially after the repentance of the Safavid Shah Tahmasab I, remained as an official principle during the Safavid era and it is very likely that the history of repentance as a principle of avoiding sin has had a special place in all religions and initiation rites, but the expansion of this discourse from the era of the Ilkhanids onwards with the expansion of Sufism and the Sufi orders and the spread of mystical and Sufi texts has been effective in the examination of the documents of the letters of repentance. Besides, the outcomes of repentance in the society for people in the form of security and public interest plans have led to the issuance of a series of decrees comprising of various subjects such as the decrees of tax exemptions and decrees of prohibiting taboos such as drinking alcohol.


Keywords: documents of repentance, Safavid kings, legal texts, legitimacy, fundamental theory

Publisher: Organization of Libraries, Musums and Documents Center of Astan Quds Razavi
Manuscripts Journal of Research Studies, 2022, Vol. 1, No.2, pp. 137-157.


Received: 28/05/2023 - Accepted: 03/07/2023



توبه‌نامه‌ها و مشروعیت بخشی به خاندان صفویه

سید محسن حسینی  ID

پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: Smhossini81@yahoo.com

سوسن نیکجو  ID

کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، مشهد، ایران. رایانامه: sosannickjou@yahoo.com

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر، بررسی روند مشروعیت بخشی به خاندان صفوی در تعامل بین سلطان و فقیه یا به عبارتی تبیین فرایند شرعی-عرفی شدن حکومت صفویه با محوریت توبه است.

روش/رویکرد پژوهش: مجموعه این نوشتار بر مبنای نظریه بنیادی و بررسی کسانی است که این فرایند را تجربه کرده‌اند. بر این اساس، پژوهش حاضر با تحلیل همزمان و مقایسه مداوم بین داده‌ها در طول جریان پژوهش و از طریق تکیه بر تفکر استقرایی با تأکید بر ایجاد مفاهیم (حکومت اسلامی، فقیه، سلطان (عادل، جائز)، عدالت، رفاہ، امنیت، حقوق جزایی، حق الله، حق الناس، امر به معروف و نهی از منکر، توبه و ...) به برقراری ارتباط بین این مقوله‌ها پرداخته و با در نظر گرفتن تفکر قیاسی همزمان با آن، تبیین نظریه طرح شده را در طول فرایند پژوهش تبیین، حمایت، استنتاج و تولید نموده است.

یافته‌ها و نتایج: مبنای مشروعیت حکومت صفویه، با تأکید بر اسناد توبه بر جای مانده در میان جنگ‌ها، نسخ خطی و فرامین سنگی مساجد جامع عصر صفویه بررسی شده است. از این میان تعداد ۴ تن از توبه‌نامه‌ها و فرامین شاهان صفوی، ۴ مورد از توبه‌نامه امیران و فرماندهان سپاه صفویه و یک مورد توبه عامه مردم است. روند تدوین فقه سیاسی شیعه به دنبال تلاش فقهای شیعه و طرح‌ریزی مبنای تعامل با سلاطین اعم از جائز و عادل، به دنبال روی کار آمدن حکومت شیعه صفویه، عملاً فقها را در خصوص اجرایی نمودن احکام شرعی فقه شیعه وارد مرحله جدیدی کرد. طرح نظریه فقهی-سیاسی توسط برخی علمای صفویه مانند محقق کرکی منجر به شکل‌گیری ادبیات سیاسی-فقهی جدیدی در حوزه اندیشه سیاسی شیعه گردید. یکی از این مباحث و در واقع بنیادی‌ترین و عمده‌ترین آن‌ها که نخست منجر به تقویت حکومت صفویه و پیش از آن مستحکم‌تر نمودن جایگاه سیاسی، شرعی و عرفی فقها و فقهی‌تر شدن حکومت گردید، مبحث توبه است. بررسی جایگاه توبه و دست‌بندی محتوایی اسناد توبه بیانگر این است که روند توبه‌نامه‌نویسی به خصوص پس از توبه شاه طهماسب اول صفوی به عنوان یک اصل رسمی در طول دوران صفویه باقی مانده است و به احتمال قوی سابقه پرداختن به توبه به عنوان یک اصل پرهیز از گناه در تمامی ادیان و آئین‌های تشرف جایگاه خاصی داشته لیکن گستردگی این مبحث از عصر ایلخانان به بعد با افزایش تصوف و فرق صوفیانه و گسترش متون عرفانی و صوفیانه در بررسی متون اسنادی توبه‌نامه‌ها بی تأثیر نبوده است. علاوه بر آن از پیامدهای توبه در جامعه برای مردم در قالب طرح امنیت و مصالح عمومی به صدور یک رشته فرامین با موضوعات گوناگونی چون فرامین معافیت‌های مالیاتی و فرامین منع منهیاتی چون شرابخواری انجامیده است.

کلید واژه‌ها: توبه، شاهان صفوی، متون فقهی، مشروعیت، نظریه بنیادی

ناشر: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
پژوهشنامه مطالعات نسخ خطی، ۱۴۰۱، دوره ۱، شماره ۲، صص. ۱۳۷-۱۵۷.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۱۲

مقدمه

روی کار آمدن حکومت صفویه نقطه عطفی بود در روابط بین فقیه و سلطان و اجرایی نمودن ایده‌های فقهی شیعه در حکومت اسلامی.

ضعف قدرت مرکزی و فقدان امنیت اجتماعی همزمان با قدرت گرفتن شاه اسماعیل صفوی (۹۰۷ ق) و اعلان مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی ایران، مقارن بود با قدرت دولت عثمانی و همچنین پیوند خاندان صفوی با ائمه معصومین (ع) فضای مناسبی برای رشد فراگیر و گسترده مفاهیم شیعه به وجود آورده و سلاطین صفوی را بر آن داشت تا از طریق نزدیکی با فقها روند مشروعیت در حکومتشان را توسعه دهند. سرانجام پس از سال‌ها تلاش عالمان و فقیهان در تبیین و نظریه‌پردازی فقه سیاسی یا همان تئوری سیاسی شیعه اکنون زمان آن فرا رسیده بود تا در اداره کشور سهمی بیشتر از گذشته داشته باشند. به طوری که منجر به بسط نوعی نظم سیاسی - اجتماعی گردید که تحت عنوان «حاکمیت دوگانه» در جامعه شیعه نامیده شد. چگونگی رسیدن صفویه به قدرت، بیانگر نگرش نوین آنان نسبت به این امر دارد.

حکومت صفویه، پس از رسیدن به قدرت دست به دو اقدام زد:

نخست: سازمان‌دهی به جماعت مریدان در قالب جنگجویان منظم، به منظور سازمان‌بخشی به قدرت رزمی صفویه.

در واقع پذیرش مذهب تشیع چرخش سیاسی و فکری را در اندیشه شاهان صفوی به وجود آورد. محوریت تفکر سازمانی مریدی - مرادی موجود در اندیشه‌های صوفیانه، شاهان صفوی را بر آن داشت تا در عین تصدی سلطنت، مراتب روحانی و حلقه‌های مریدان خویش را نیز حفظ کنند، (افتخاری، ۱۳۸۳، ص. ۲۸۴) تا حدی که پیروان شاه اسماعیل از او با القاب «نایب مهدی»، «ظل الله»، «مرشد کامل» و ... یاد می‌کردند (نک: آقاجری، ۱۳۸۹، ص. ۵۸، ۶۱، ۶۳).

دوم: جایگاه ویژه‌ای بود که متولیان سیاست برای فقیهان در نظام و ساختار حکومتی قائل بودند. بنابراین، تحول مهم دیگری که در دوره صفویه ایجاد گردید تغییر نگرش فقیهان در چگونگی حضور آنان در عرصه سیاسی - اجتماعی بود. پرسش‌های مطرح‌شده در این دوره حول سه محور اساسی فقه شیعه بود:

۱. مشروعیت همکاری با حکومت

۲. مبنای مشروعیت حکومت صفوی

۳. چگونگی رابطه سلطان با دین و مذهب شیعه

چگونگی پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، محور اساسی در شرعی‌سازی قدرت سیاسی توسط صفویه را تشکیل داد.

مسائل جدیدی که تغییر نظام حکومت و به قدرت رسیدن شیخ در این زمان به وجود آورده بود، فقها و علمای این دوره را نیز در برخورد با سلطان عمیقاً درگیر کرده بود (نک: رجبی، ۱۳۸۸، ص. ۵۷). سیاست به کارگیری فقهای شیعه در ساختار سیاسی قدرت با تلاش فقیهان جبل عاملی به ویژه «محقق کرکی» به مرحله اجرایی خود دست یافت (افتخاری، ۱۳۸۳، ص. ۲۸۵) و توانست آراء جدیدی را در حوزه فقه سیاسی شیعه تدوین و اجرا نماید. هر چند تعامل با حکومت صفویه نیز موافقان و مخالفان خود را داشت (نک: رجبی، ۱۳۸۸، ص. ۵۹-۶۰).

بدین ترتیب عالمان دینی در تمام مدت حاکمیت صفویه، در دو گروه متمایز حضور داشتند. نخست عالمان ایرانی و سادات که غالباً مقامات «صدر» را در طول حکومت صفویه در اختیار داشتند و دیگر، علمای مهاجر؛ مخصوصاً علمای جبل عامل که غالباً مقامات شیخ الاسلام و قضاوت را برعهده داشتند (استوارت، ۱۳۸۱، ص. ۸۹).

در نتیجه تلاش اصلی فقیهان در این دوره، بالا بودن ضریب امنیتی مؤمنان با توجه به فرصت‌های تاریخی پیش آمده است (افتخاری، ۱۳۸۳، ص. ۲۹۴).

این تلاش منجر به رشد حوزه‌های علمیه جدید شیعه در ایران، گسترده‌گی و فراگیری مذهب شیعه، تحول برخورد عالمان شیعی با قدرت حاکمه، شکل‌گیری ادبیات سیاسی - فقهی جدید در حوزه اندیشه سیاسی شیعه، و از همه مهم‌تر شکل‌گیری منسجم‌تری از نظریه‌های سیاست شرعی و وضع قوانین شرعی و اجرای حدود آن برای حکومت گردید (طباطبایی‌فر، ۱۳۸۹، ص. ۹۹، ۹۲، ۹۴، ۹۵).

یکی از این مباحث و در واقع از بنیادی‌ترین و عمده‌ترین آن‌ها که نخست منجر به تقویت حکومت صفویه و پیش‌تر از آن مستحکم‌تر نمودن جایگاه سیاسی شرعی و عرفی فقها و فقهی‌تر شدن حکومت گردید، مبحث «توبه» است.

بیان مسئله

در چگونگی صدور جواز همکاری با سلطان و حکام جائز و عادل یکی از شرایط مطرح شده از سوی فقهای شیعه، پذیرش اصل «امر به معروف و نهی از منکر» از سوی آنان بوده است.

در واقع طرح جامع و گسترده «امر به معروف و نهی از منکر» به عنوان یک اصل پذیرفته شده در اجرای موازین شرعی و عرفی در مذهب شیعه قوت گرفت، به ویژه در عصر صفویه با تغییر در جایگاه فقها و تعامل با سلطان وقت به صورت جدی‌تر و عملی‌تری دنبال گردید.

این مهم برای نخستین بار به طور گسترده با طرح مبحث «توبه» از سوی محقق کرکی مطرح شد و گامی مهم در تبدیل فقه سیاسی شیعه به فقه حکومتی - مردمی برداشته شد؛ اما تفاوت عمده آن در این

زمان این بود که محقق کرکی توانست این باب فقهی را سرلوحه اجرایی نمودن فقه شیعه و تلویحاً شرط تأیید سلطنت شیعی صفویه قرار دهد و آن را در بالاترین سطوح حکومتی مطرح نماید.

توبه‌نامه‌ها را می‌توان از دو جنبه کلی مورد بررسی قرار داد.

اول: به لحاظ فقهی و دوم: به لحاظ اسنادی.

مرکزیت فرایند پژوهش در این مرحله «توبه» است که از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است

مانند: مفهوم لغوی، جایگاه آن در فقه، قواعد فقهی مترتب بر آن، بررسی متون فقهی توبه، بررسی انواع توبه‌نامه‌ها (شاهان، امیران و سرداران و عامه مردم) و اسناد مرتبط با آن.

روش پژوهش

روش این پژوهش بر مبنای توسعه نظریه بنیادی مشروعیت‌بخشی به خاندان صفوی از طریق توبه و بررسی فرایند اسناد بر جای مانده از توبه‌های کسانی است که در فرایند این کنش قرار گرفته‌اند و به استنتاج این نظریه انجامیده است.

پرسش‌های پژوهش

۱. مهمترین اهداف توبه فقهی چیست؟

۲. توبه‌نامه‌های دوره صفویه از لحاظ موضوعی به چند دسته تقسیم می‌شوند؟

۳. ویژگی‌های اسنادی توبه چیست؟

پیشینه پژوهش

هر چند کتاب‌ها، مقالات و رساله‌های متعددی پیرامون فقه سیاسی شیعه نوشته شده، لیکن از این میان تنها مواردی که در آن‌ها تا حدودی پیرامون «توبه» اشاراتی رفته است، بررسی می‌گردد.

تنها مقاله‌ای که از توبه در کنار امر به معروف و نهی از منکر در اداره جامعه صفوی تاحدودی

اشاره شده است، مقاله رسول جعفریان با عنوان «امر به معروف و نهی از منکر در دوره صفوی»

است که به سال ۱۳۷۷ در نشریه کیهان اندیشه شماره ۸۲ به چاپ رسیده است. جعفریان در این

مقاله در مورد تحول اجرایی جایگاه امر به معروف و نهی از منکر از محتسب و خلیفه‌الخلافا به

شاهان صفویه و علما و فقها پرداخته است و در این میان برخی از فرامین شاهان صفویه با ذکر توبه

شاه طهماسب اول صفوی را آورده است. از فرامین، شاه عباس اول و شاه سلطان حسین با محوریت

منع شرابخواری یاد نموده و سپس اشاراتی به وثیقه و گواهی های برخی از علما مانند: علامه مجلسی، آقا جمال خوانساری و ... در تأیید فرامین پادشاهان صفوی پرداخته است.

توبه و توبه نامه نویسی

تدوین فقه سیاسی شیعه با اندیشه تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت امام معصوم (ع) روند تازه‌ای به خود گرفت. تلاش فقهای شیعه در این خصوص تا عصر صفویه را می‌توان به دو دوره کلی تقسیم نمود. نخست از عصر غیبت کبری تا روی کار آمدن حکومت صفویه؛ و دیگر روی کار آمدن صفویان و رسمی شدن مذهب تشیع به عنوان دین رسمی کشور.

نخست: از عصر غیبت کبری تا روی کار آمدن صفویه (۳۹۲ق - ۹۰۷ق)

در این دوره که ۵۱۵ سال طول کشید، چندین گام اساسی در جهت قدرت‌یابی فقها برداشته شد. از مهمترین این مباحث می‌توان به: اجتهاد، حاکمیت در جامعه اسلامی و جایگاه فقها در آن، ویژگی حاکم (عادل و جائر) و همچنین مشخص نمودن حدود کار فقیه و چگونگی حدود تعامل فقیه با سلطان اشاره نمود. با روی کار آمدن صفویه، طرح نظریه فقهی - سیاسی برخی از علمای عصر صفویه از جمله علی بن حسین بن عبدالعالی عاملی کرکی (۹۴۰) معروف به محقق کرکی بود؛ وی بدون شک مهمترین فقیه عاملی در اوایل حکومت صفوی است. شهرت وی در فقه و تسلط او بر مبانی این علم، موجب شد که دوره‌ای جدید در فقه شیعه آغاز گردد و فقیهان از حوزه‌های مسائل خصوصی و شخصی وارد مسائل اجتماعی و حکومتی شوند (نک: افتخاری، ۱۳۸۳، ص. ۲۸۹؛ حسینی زاده، ۱۳۸۷، ص. ۶۸، ۷۲، ۷۴، ۸۹، ۹۱).

محقق کرکی در «جامع المقاصد فی شرح القواعد» می‌گوید: «فقیه ولایت بر مصالح عمومی دارد و لذا حکمش نافذ است». بر این اساس وی «مصالح عمومی» را در امر حکومت به عنوان راهنمای عمل دانسته و به تفکیک امر عرفی از امر شرعی پرداخته است. وی با تأکید بر مقوله «امنیت» در ذیل امور عرفی معتقد است که اکنون این فقیه جامع شرایط است که بر اساس وظیفه و رسالت دینی‌اش مسئولیت تأمین مصالح عمومی جامعه را عهده‌دار می‌گردد نه سلطان.

بدین وسیله کرکی بنیاد نگرش تازه‌ای را در عصر خود بر جای می‌گذارد که از آن به عنوان شرعی‌سازی مصالح عمومی یاد می‌شود که مطابق آن ولایت و حکومت اساساً یکی تصور شده و لذا «ولی» نه تنها مسئول امور دینی، بلکه متولی امور عرفی و از آن جمله تأمین امنیت عمومی جامعه از طریق تصدی امر حکومت است (حسینی زاده، ۱۳۸۷، ص. ۷۱، ۷۵).

مقدس اردبیلی، ملامحسن فیض کاشانی، محمدباقر محقق سبزواری و در نهایت محمدباقر مجلسی (علامه) است که با طرح الگوی جامع امنیت سه رکن اصلی نظریه ثبات و امنیت را با عنوان «تقیه، اصلاح و اطاعت» طرح نمود (افتخاری، ۱۳۸۳، ص. ۲۹۳).

در نتیجه تلاش اصلی فقیهان در این دوره، بالا بودن ضریب امنیتی مؤمنان با توجه به فرصت‌های تاریخی پیش آمده است (افتخاری، ۱۳۸۳، ص. ۲۹۴).

در نهایت، در این نوشتار به طرح توبه توسط محقق کرکی به عنوان یکی از عوامل اجرایی نمودن فقه شیعه و شرط تأیید سلطنت شیعی صفویه پرداخته خواهد شد. در ادامه نیز نخست بررسی اهداف فقهی توبه و سپس اسناد توبه با توجه به اسامی توبه‌کنندگان در بخشی از سطوح مختلف جامعه عصر صفوی از شاهان تا امیران و عامه مردم بررسی خواهد شد.

توبه، اصطلاحی است دینی، اخلاقی و عرفانی که در لغت به معنای بازگشت یا بازگشت از معصیت است. «تاب الی الله» به معنای بازگشت بنده از گناه به سوی خداوند است.

مباحثی که در توبه مطرح می‌گردد از ابعاد گوناگون اخلاقی، عرفانی، فقهی و کلامی قابل تأمل و بررسی است. لیکن مهمترین بخش و گسترده‌ترین مفاهیم توبه در بخش فقهی - کلامی آن است که با تکیه بر آیات و احادیث به طور گسترده در منابع فقهی مطرح شده است.

در توبه مباحثی چون: آداب توبه، مقدمات توبه، شروط و لوازم توبه از جمله زمان توبه و نحوه پذیرش آن، کیفیت توبه از گناهان کبیره و صغیره، چگونگی توبه، توبه نصوح و توبه از رداییل اخلاقی را می‌توان نام برد. همچنین بیان آثار فقهی مترتب بر توبه چون: رابطه توبه با اجرای حدود و تعزیرات، بیان اقسام معصیت و طریق توبه از هر یک و مشخص نمودن حق الله و حق الناس و ... که با شروع حکومت صفویه جایگاه فقهی - سیاسی گسترده‌تری یافت (کیانی فرید، ۱۳۹۳، ص. ۸/۳۶۷). با بررسی متون فقهی توبه مهمترین اهداف توبه فقهی را می‌توان در موارد ذیل برشمرد:

۱. اجرایی نمودن تمامی ابواب چهارگانه فقهی (عبادات، عقود، ایقاعات، احکام)^۱

۱. محقق حلی هم با الهام از طرح‌های پیشینیان توانست طرح جامعی در مورد باب‌بندی و دسته‌بندی بحث‌های فقهی ارائه دهد. محقق حلی در کتاب (شرایع الاسلام)، فقه را به چهار بخش تقسیم می‌کند: عبادات، عقود، ایقاعات و احکام (الف) «عبادات» را در ده کتاب قرار می‌دهد: طهارت، صلاه، زکات، خمس، صوم، اعتکاف، حج، عمره، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر. (ب) «عقود»، را هیجده کتاب قرار می‌دهد: تجارت، رهن، مفلس، حجر، ضمان (حواله و کفالت را در ضمن ضمان آورده)، صلح، شرکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، ودیعه، عاریه، اجاره، وکالت، وقف، هبه، سبق و رمایه، وصیت و نکاح. (ج) «ایقاعات»، را در ده کتاب قرار می‌دهد: طلاق، ظهار، ایلاء، لعان، عتق، تدبیر، مکاتبه، استیلا، اقرار، جعاله، ایمان و نذر. (د) «احکام»، را در دوازده کتاب قرار می‌دهد: صید و ذباجه، اطعمه و واشربه، غضب، شفعه، احیای موات، لقطه، فرائض، قضا، شهادت، حدود و تعزیرات، قصاص و دیات. (نک: رضایی، ۱۳۸۷، ص. ۵-۶؛ عظیمی، ۱۳۸۵، ص. ۲۰۷-۲۰۸).

۲. برقراری عدالت اجتماعی با تأکید ویژه بر حق الله و حق الناس (مرقاتی، ۱۳۸۸، ۱۳/ص. ۶۰۰-۵۹۷).
۳. برقراری امنیت و آرامش در جامعه و تلاش در ترمیم روابط انسانی بین حاکم و مردم در جامعه اسلامی.
۴. عملی نمودن حقوق کیفری (مؤذن زادگان، ۱۳۸۷، ص. ۱۰) و جزایی اسلام و صدور احکام فقهی با تکیه بر برخی از باب‌های فقهی (باب ارتداد، حدود و تعزیرات، قصاص، دیات).
۵. تفکیک گسترده حق الله و حق الناس و تعیین حدود کیفری و مجازات هر کدام با تکیه بر چگونگی توبه مثل: جواز توبه از گناهان با مشخص نمودن گناه کبیره و گناه صغیره. با در نظر گرفتن مواردی چند در باب توبه، فقیه به صدور فتاوی فقهی و اجرای حکم برای شخص خاطی می‌پردازد که از آن جمله است:
۱. بیان کیفیت توبه از نظر زمان توبه، شرایط توبه‌کننده که موجب پشیمانی وی گشته است یا خیر و عزم بر ترک گناه.
 ۲. تعیین نوع گناه و حد توبه برای هر یک و کیفیت توبه از هر کدام از حق الله و حق الناس
 ۳. آداب توبه و نیز مستحبات آن
 ۴. کیفیت توبه از گناهان کبیره مثل (بدعت، سحر، قذف، ارتداد و قتل).
- از عواملی که ممکن است «توبه» فرد توبه‌کننده مورد پذیرش قرار گیرد عبارتند از:
- قصد ترک گناه در آینده، ادای فرایض، جبران گذشته، طلب حلال در خوردنی و پوشیدنی، رد مظالم، مجاهدت و ریاضت نفس.
- در برخی از موارد «محو آثار گناه» نیز از شرایط توبه ذکر شده است. بنابراین، در زبان شریعت و طریقت و بر اساس تفسیر آیه ۸ سوره مبارکه تحریم، توبه‌ای که دارای همه شرایط، یعنی: پشیمانی در دل، استغفار به زبان، باز ایستادن از گناه و عزم بر ترک گناه برای همیشه باشد، «توبه ناصح» نامیده می‌شود.
- علاوه بر این‌ها، در منابع شیعی روایاتی نقل شده مبنی بر این که پذیرش توبه از جانب خداوند مشروط به پذیرش ولایت ائمه معصومین(ع) است و از آثار فقهی مترتب بر توبه، علاوه بر ساقط شدن حد، تعزیر، قصاص و دیه، برخی از فقها قبول شهادت و بازگشت «صفت عدالت» به شخص توبه‌کننده را نیز ذکر می‌کنند.

در مجموع فرد توبه کننده پس از قبول توبه نصوص واجد شرایط شهادت و عدالت می‌گردد (نک: کیانی فرید، ۱۳۹۳: ذیل مدخل)

علما به تبع اهمیتی که در قرآن و روایت به «توبه» داده شده است، کتاب‌ها و رسائلی در خصوص توبه نوشته‌اند که در برخی از آن‌ها به استقلال و در برخی دیگر، فصل یا فصولی مستقل به این موضوع اختصاص یافته است. از جمله:

رساله فی التوبه (عبدالصمد عاملی جبعی جد شیخ بهایی)، الرساله الکافیة فی ابطال توبه الخاطئه (شیخ مفید)، مسئله فی التوبه (مرتض علم الهدی)، صراط النجاة محمد باقر مجلسی (کیانی فرید، ۱۳۹۳: ذیل مدخل) و همچنین رسالات کوچکی نیز در این خصوص نوشته شده است که از آن جمله است:

باب جامع فی التوبه (محمد بن محمد غزالی (۴۵۰ - ۵۵۰ هـ)، التوبه علی بن حسن ابن عساکر (۴۹۹ - ۵۷۱ هـ)، التوبه و حقیقتها (عبدالرزاق بن احمد عبدالرزاق کاشی ۷۳۰ هـ)، توبه (علی بن محمد همدانی ۷۱۴ - ۷۸۶ هـ)، التوبه و حقیقتها (زین الدین بن علی شهید ثانی ۹۱۱ - ۹۶۵ هـ)، التوبه (عبدالجبار بن سعدالدین گیلانی)، توبه‌نامه (حسین بن روح الله حسینی طبسی قرن ۱۰ هـ)؛ رساله در توبه (محمد باقر بن اسماعیل حسینی خاتون آبادی ۱۰۷۰ - ۱۱۲۷ هـ)، رساله توبه = توبه‌نامه (شاید از محمد تقی بن میر مومن قزوینی ۱۲۷۰ هـ) و دیگر رسالاتی با عناوین التوبه و حقیقتها، صیغه توبه، توبه و تلقین، توبه و رموز آن که کما بیش در چندین سال پس از صفویه نیز به رشته تحریر در آمده است (نک: درایتی، ۱۳۸۹، ۳/ ص. ۳۸۱-۳۸۳).

اسناد «توبه» / ویژگی‌های اسنادی توبه‌نامه

یکی از گسترده‌ترین اسناد شرعی برجای مانده از دوره صفویه «توبه‌نامه‌ها» است. توبه‌نامه‌های دوره صفوی را به لحاظ موضوعی می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود:

۱. توبه‌نامه شاهان صفوی

۲. توبه‌نامه امیران و سرداران صفوی

۳. توبه‌نامه‌های عامه مردم.

۱. منظور از سند شرعی، آن دسته از اسنادی است که توسط علما یا زیر نظر آنها و دقیقاً منطبق با مباحث فقهی تحریر و تدوین شده باشد. همچنین اسناد شرعی (نوشتجات شرعی) که بر آمده از مباحث فقهی (معاملات/ احکام و عبادات) هستند و توسط شخص ذی صلاح مطابق با رسم سندنویسی همان دوره تنظیم شده‌اند. همچنین دفتر معاملات و کتابچه‌های شرعیات (نک: رضایی، ۱۳۸۷، ص. ۴).

از توبه نامه‌های برجای مانده از شاهان صفوی، در لابلاهای کتاب‌های تاریخی و یا برخی از کتیبه‌های سنگی نصب شده بر سر در مساجد می‌توان چنین نتیجه گرفت که روند «توبه‌نامه» نویسی به عنوان یک اصل رسمی در طول دوران صفویه باقی مانده است.

به احتمال قوی سابقه پرداختن به مبحث توبه در متون عرفانی و صوفیانه به عنوان مقام اول، منزل اول، یا باب الابواب در پذیرش توبه از سوی شاهان صفوی بی تأثیر نبوده است (نک: خواجه عبدالله انصاری، ۱۳۸۵، ص. ۱۰).

با وجود فراز و نشیب‌هایی که پادشاهان صفوی در رویارویی با مذهب تشیع در طول دوران حکومت خود داشتند «توبه» همچنان به عنوان یکی از ابزارهای کنترل قدرت سلاطین صفویه در دست فقها باقی ماند. چنان که، علاوه بر پیامد فقهاتی پادشاه را ملزم به رعایت حقوق مردم، پذیرش اصل عدالت اجتماعی، رویارویی با مباحث اقتصادی در جامعه، اعلام مذهب تشیع و تقید و پایبندی به فقه شیعه، اعلان برقراری حقوق الهی و مردمی توسط پادشاه، شهادت و اقرار به گناهکار بودن در مقابل مردم و تعهد دادن در قبال پایبندی به اصول فقه شیعه و ترک گناهان اعم از کبیره و صغیره می‌گردد. همچنین سعی در جبران گناهان با توجه به جبران ضرر و زیان مالی به طرح گسترده اقتصادی دیگری، تحت عنوان بخشش یا معافیت‌های مالیاتی در برابر عامه مردم، در تعامل بین سلطان و فقیه انجامید.

پس از پادشاهان مبحث توبه، به امیران و سرداران صفوی نیز تسری یافت. از نمونه‌های آن توبه‌نامه مهدی قلی بیگ امیر آخور (نک: عرب پور، ۱۳۸۸، ۹/ ص. ۲۱۰) و توبه‌نامه اغور ابوطالب ایشیک آغاسی (نک: بی‌نا، بی‌تا، نسخه خطی ۲۵۵۱، ص. ۲۴ a) را می‌توان برشمرد.

اطلاعات تاریخی برجای مانده از توبه‌نامه‌های عامه مردم بسیار اندک است. ولیکن در میان اسناد و نسخ خطی می‌توان به برخی از متون این توبه‌نامه‌ها دست یافت. یکی از این نمونه‌ها توبه زنی است در حرم حضرت عبدالعظیم که از جمیع معاصی توبه نموده و التماس کرده که «اقل العباد ورقه بجهت اثبات توبه‌اش نوشته باشد» (بی‌نا، بی‌تا، نسخه خطی ۱۰۴۹، ص. ۱۹۳).

در جنگ دیگری که بین سال‌های ۱۱۶۱ تا ۱۱۶۴ هجری قمری شده، الگوهایی از اسناد شرعی دوره صفویه از جمله توبه‌نامه‌ها آورده شده است. این اسناد که به وسیله یک سررشته‌دار محکمه یا محرر شرع کار آزموده احتمالاً در دوره شاه سلطان حسین صفوی نوشته شده، بیانگر گستردگی کاربرد توبه در بین سرداران و عامه مردم در روزگار صفوی است (نک: رضایی، ۱۳۸۵، ص. ۷۵، ۷۶، ۸۰، ۸۸).

ویژگی کلی متون توبه‌نامه‌ها را در این دوره می‌توان چنین برشمرد:

۱. صیغه توبه
۲. نام توبه‌دهنده (گاهی اوقات)
۳. نام توبه‌کننده (گاه به جای اسم از ضمیر استفاده می‌شود)
۴. موارد توبه (نوع گناه کبیره و صغیره) با اشاره به (حق الله) و (حق الناس)
۵. جمله دعائیه
۶. گاه تبصره در صورت شکستن توبه
۷. گاهی اوقات ابیات و اشعاری در توصیف توبه، توبه‌کننده و جایگاه او در محضر خداوند

توبه‌نامه شاه طهماسب صفوی

سلطنت شاه طهماسب اول طولانی‌ترین دوره در سلطنت شاهان صفوی بود و این دوره را تبدیل به دوره استمرار دولت صفوی و تحکیم پایه‌های آن نمود؛ هر چند که دهه آخر سلطنت طهماسب با بحران‌های داخلی و تضادهای اجتماعی زمینه‌ساز بی‌ثباتی بعد از خود گردید، اما اساسی که در دوره سلطنت پنجاه و چهار ساله طهماسب گذاشته شده بود با قوت و ضعف تا پایان حکومت صفویان در ایران به حیات خود ادامه داد (آقاجری، ۱۳۸۹، ص. ۸۸).

وجه مشخصه سیاست مذهبی طهماسب تغییر قدرت از صوفیان به فقیهان بود. با مهاجرت علما و شکل‌گیری نهاد روحانی، طبقه جدیدی در کنار امرای صوفی و قزلباش ایجاد نمود. طهماسب به تدریج دریافت که صوفیان قزلباش نیرویی نیستند که بتوانند به طور یک جانبه به آن‌ها تکیه کند، بنابراین، بنا به ملاحظات کلی حکومتی، در تحکیم و تثبیت سلطنت صفوی و هم برای ایجاد قدرتی در برابر آنان رو به سوی فقیهان و عالمان شیعی آورد (همان، ص. ۱۰۸).

در آن زمان، آن‌ها با سیل مهاجرت عالمان و فقیهان شیعی از لبنان، عراق و بحرین به ایران موفق به کسب مناصب مختلفی شدند، از قبیل: شیخ الاسلامی، امامت جمعه، قضاوت و صدارت. از معروف‌ترین آن‌ها خاندان کرکی و عاملی‌ها بودند. چنان‌که طهماسب به سید محمد جبل عاملی که پیشنهاد اردو و دربار او بود اعتقاد بسیاری داشت و هم اوست که با خوابش موجبات توبه اول شاه طهماسب را فراهم کرد (همان، ص. ۹۴، ۱۲۶). به طور کلی در سلطنت طهماسب دو دوره را می‌توان از یکدیگر تفکیک نمود: دوره اول مرحله پیش از توبه که از آغاز بر تخت نشستن وی تا سال ۹۳۹ هجق به طول انجامید.

دوره دوم مرحله پس از توبه که از سال ۹۳۹ هـ.ق تا پایان سلطنتش ادامه می‌یابد. این مرحله خود به دو دوره تقسیم می‌شود:

الف) دوره توبه اول شاه طهماسب یا پیش از صلح آماسیه، بین سال‌های ۹۳۹ الی ۹۶۳ هجری است.

ب) دوره توبه دوم شاه طهماسب یا پس از صلح آماسیه که از سال‌های ۹۶۳ الی ۹۸۴ هجری را در بر می‌گیرد (همان، ص. ۸۸، ۱۰۶).

قاضی احمد قمی در چگونگی توبه اول شاه طهماسب صفوی نوشته است که طهماسب به سبب خوابی که سید محمد پیشنماز دیده بود، توبه کرد (همان، ص. ۹۵) لیکن طهماسب در تذکره خود در دلیل توبه‌اش آورده است:

«.....و الحمدلله و المنه که لشکر قلمرو من از شراب و فسق بلکه جمیع مناهی توبه کرده‌اند و در کل مملکت من شرابخانه‌ها و بوزخانه‌ها و بیت‌الطف و سائر نامشروعات بر طرف شده و من خود در وقتی که از هرات کوچ کرده به زیارت مشهد مقدس ملائک آشیان حضرت امام رضا علیه السلام می‌رفتم میر سید محمد پیشنماز مدینه مبارک حضرت رسالت پناه محمد صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دیدم که به من می‌فرمایند که از مناهی بگذر که ترا فتوحات خواهد شد. در صبح به احمد بیگ وزیر و بعضی از امرا که حاضر بودند این خواب را بیان کردم، بعضی از ایشان گفتند که از بعضی منهیات بگذریم و از بعضی دیگر مثل شراب که ضروری سلطنت است نمی‌توان گذشت - و هر کس حرفی در این باب می‌فرمودند، آخر من گفتم که امشب بدین نیت می‌خواهم - بهر طریق که می‌نماید بدان عمل خواهم کرد - و حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله و سلم الرویا الصالحه پراها المومن الصالح و قال لم تنقطع المبشرات. باز همان شب در واقعه دیدم که در بیرون پنجره پایین پای حضرت امام الضامن امام رضا علیه الف الف التحیه و الثنا دست سیادت پناه میر هادی محتسب را گرفته از شراب و زنا و جمیع مناهی توبه کردم. صباح این خواب را نیز به جماعه بیان کردم. به قدرت و توفیق حضرت باری جل شانہ به همان طریق که در خواب دیده بودم در همان موضع سید مذکور حاضر شده دستش را گرفته از جمیع مناهی توبه کردم و در سن بیست سالگی که این سعادت نصیب شد این رباعی را انشاء کردم. رباعی:

یک چند پی زمرد سوده شدیم

یک چند به یاقوت تر آلوده شدیم

شستیم به آب توبه آسوده شدیم

آلودگنی بود بهر رنگ که بود

الحمد لله و المنه از آن تاریخ که سعادت میسر شده از کل مملکت من فسق و فجور بر طرف شده و روز به روز به توفیق الله تعالی فتوحات گوناگون روی نموده بوده به طریقی که هرگز در خاطر ما شمه از آن نمی‌رسید- و جمع عقلا درین مقدمات حیرانند- و من هر چند مردانه باشم در عمر خود از عهده شکر شمه از این مقدمات بیرون نمی‌توانم آمد (شاه طهماسب، ۱۳۶۳، ص. ۲۹-۳۱).

توبه دوم شاه طهماسب که علاوه بر این که تجدید و تأکیدی بر توبه اول بود شامل همه امرا و بزرگان کشور نیز شد «هم از این سال شاه ملکی خصال امر فرمودند که امرا و اعیان کل ممالک محروسه از جمیع مناهی توبه کرده مؤکد به قسم سازند و احکام و پروانجات مطاعه در این باب عز اصدار یافته به تمامی بلاد و امصار فرستادند» (آقاجری، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۶).

از میان توبه‌نامه‌های متعدد بر جای مانده از عصر صفویه، توبه شاه طهماسب اول صفوی به دلایل اهمیت خاص آن به عنوان نمونه در این مقاله معرفی می‌شود.

او اولین پادشاه صفوی بود که به طور رسمی در سال ۹۳۹ هـ ق در حضور محقق کرکی توبه نمود که منجر به تغییر اساسی در حکومت صفویه و چند وجهی نمودن مشروعیت آنان گردید.

از آن جمله است صدر جهان طبسی در رساله‌ای به نام در «بیان وجوب و اثبات توبه و فضیلت آن» که برای سلاطین قطبشاهی هند و به نام «...ابوالغازی همایون اعظم ابراهیم قطبشاه...» به سال ۹۸۰ هـ ق به رشته تحریر در آورد، علاوه بر ذکر توبه شاه طهماسب تحت عنوان: «... در ذکر توبه المستعین بعناية الله الملك الغنی حضرت شاه عالم پناه خلافت دستگاه شاه طهماسب الحسینی خلدالله ملکه و سلطانه افاض علی العالمین برّه و احسانه برای و صواب نماید...» به ذکر اهمیت و فواید این توبه می‌پردازد. همچنین متذکر می‌شود که «...الحق تا غایت، هیچ صاحب دولتی را بدین طریق توفیق رفیق نگشته و بدینسان در جبر مافات نکوشیده (صدر جهان طبسی، بی‌تا، ص. ۷۴b) آورده است:

۱. ثبات و پایداری شاه طهماسب در امر توبه، چنان که بعد از ذکر تاریخ توبه شاه طهماسب در ۹۴۰ قمری، اضافه می‌کند: «..... از آن تاریخ تا حال که قریب به چهل سال است بر توبه خود به مرتبه ثبات و راسخ مانده که احدی را از جنس بشر طاقت آن نیست» (همان، ص. ۷۴b)

۲. ضمن ذکر اهمیت و نقش توبه سلاطین متذکر می‌شود که، «..... توبه آن خلافت پناه باعث توبه چندین هزار عاصی گناهکار گردید.» و دلیل آن را شرف صدور «..... احکام و فرامین جهان مطاع به جمیع ممالک محروسه» دانسته است.

به موجب این فرمان «..... جمع شراب خانه‌ها و بیت اللطف [ها] ، بر طرف سازند و اسباب عیش و طرب و آلات و مناهای و ملاحی در هم شکنند و مردمان را از شرب شراب و خوردن بنگ و بوزه و باقی مسکرات منع نماید و متوطنان بلاد را تمام به محکمه قضات اسلام برده از جمع قبایح و مناهای توبه دهند و در هر محله و هر کوجه جمع مساجد مردمان را... که عوام را ضروریات دین و ارکان خمسۀ اسلام تعلیم نمایند و از هر کس امری خلاف شریعت... واقع شد... که در شریعت مقرر شده او را به سزا و جزا رسانند و بنابراین مرممان جمع ممالک محروسه بشرف توبه مشرف شدند و آداب طهارت و نماز و روزه و حج و ادای زکوه مفروضه فرا گرفتند و از آن مردم که بحکم شاهی توبه کردند... از صمیم قلب و خشنودی توبه نمودند و بدان سعادات به برکت آن عالم پناه فایز شدند و بعضی از ترس ... شاهی و خوف... محتسب و شلاق داروغه‌ها و حکام و... توبه کردند» (همان، ۷۴b).

«و دیگر چون شاه طهماسب همیشه در مقام تربیت و نوازش سادات و علما و صلحا و اتقیا پرداخته، [لذا] سعی نمودند با توبه نمودن شاید ... بدین وسیله در زمره مقربان و جمله نزدیکان داخل شوند، چون بدین واسطه مدتی به عبادت و طاعت اوقات گذرانیدند و از فسق و فجور اجتناب نمودند و عبادت در باطن ایشان راه یافت و ظلمت عصیان و گناه محو شد و در آن حال از صمیم قلب توبه و استغفار نموده ... و این همه به برکت توبه و توبه شاه عالم پناه است ... آن عالم پناه در ثواب جمع این‌ها شریک است» (همان، ۷۵a).

۳. «آن که توبه آن عالم پناه باعث آن شد و ... سبب رفاهیت حال و خشنودی فقرا و مساکین و نفع رعایا و متوطنان بلاد گردید».

آن بود که «آن قدر املاک و اسباب و خانه و باغ و رعایا و مساکین که اصحاب ظلم و تعدی از زمان سلطنت حضرت فردوس مکنی شاه اسمعیل نورالله مرقدۀ تا هنگام توبه کردن حضرت عالم پناهی به زور و تعدی از فقرا و مساکین گرفته بودند و آن عالم پناه بر آن مطلع گشت، تمامی آن را به حق داران رسانید و آن چه در دیوان شاهی جمع شده بود از املاک و غیره که آن شخص حاضر بودند و رسانیدند و اگر نه به وارثان او رسانیدند و اگر ناحق بر کسی ظلم و زیادتی در نفس با غرض واقع شده او را یا وارثان او را طلبیده و بطریق صلح تدارک خاطر آن‌ها نموده و حقیقت حاصل کردند و این عمل... در حقیقت موجب رفع عقاب اخروی و باعث حسنات آن عالم پناه گردید» (همان، ۷۵a).

۴. از سایر فواید توبه شاه طهماسب، «... معافیت تمغای شوارع و بلدان با سایر رسوم محدث در تمامی ممالک محروسه...» بود.

۵. ارسال سالانه «... چندین هزار تومان برای فقرا و متوطنان و طلبه علم و حفاظ و مؤذنان مکه مشرفه و مدینه منوره و مشاهد مقدسه ائمه طاهرين...»
و غیر از آن نیز اعطای انعام فراوان به «... هر کسی از سادات و علما و صلحا و اتقیا و شیعه اثنا عشر که از دور و نزدیک به شرف بساط بوسی مشرف ...» می‌شد به طوری که «... مقتضی المرام به وطن مالوف خود باز...» گردند (همان، ۷۵a).

صدر جهان طبسی در پایان در پیامد توبه برای شاه طهماسب می‌آورد:

«... و خدای تعالی به جهت برکت توبه و ثبوت و رسوخ بر آن و خیرات و مبرات و عدل و انصاف آن خلافت پناه را عمر طویل و ملک بی خلل و دولت روزافزون روزی کرده ... و دلیل عمر طویل و ملک بی خلل و دولت روز افزون...» را نیز همین امر دانسته و لذا تسخیر بلادی که ... پادشاهان قادر به تسخیر آن نبودند ... مثل شروان، گیلان و مازندران و لار و قندهار و سیستان...» را نصیب نموده است (همان، ۷۵a؛ نک: محقق سبزواری، ۱۳۸۱، ص. ۱۴۰-۱۴۳).

با وجود اشاراتی که به توبه نامه شاه طهماسب در لابلائی کتب تاریخی و چند کتیبه سنگی بر جای مانده است، لیکن متن کاملی از آن را در اختیار نداریم.

مورخ دربار وی روملو در کتاب احسن التواریخ در ذیل وقایع سال ۹۳۹ هجق آورده است:

«واندر این سال شاه دین پناه از جمیع مناهی توبه کرد. فرمان همایون شرف نفاذ یافت که محتسبان آبروی پیاله و جام عقوبت انجام را ریخته شیشه ناموس ایشان را به سنگ افسوس زنند و به نصایح الحق مر پنبه غفلت از گوش صراحی بکشند. اگر سرکشی کند گردن او را نرم سازند. بلکه به حکم کل مسکر حرام بوزه و بنگ و هر چه ببینند بیندازند. مغنی بی معنی گوی را، اگر بی‌قانون شرع آواز کند، چون مغنی به زخم گوشمال فریاد از نهاد او بر آرند و چنگ بی ننگ را در کنار هر کس ببینند موی گیسوی ببرند. نی اگر بی آهنگ شرع راه برگیرد نگذارند که نفس از او بر آید. طنبور بی مغز نامعتدل گو را چنان زنند که چون عود سوزد و رباب خوش مزاج را در هر مجلس که بیند بر خرش نشانده اخراجش نمایند و مبلغ کلی که از قمار خانه و شرابخانه و بیت الطلف حاصل می‌شد از دفتر اخراج نمودند» (روملو، ۱۳۵۷، ص. ۳۲۳).

بخشی از توبه نامه شاه طهماسب، برکتیبه سنگی ناقصی به طول ۷۰ و عرض ۶۰ سانتیمتر به خط ثلث نقر شده و در سمت راست محراب گنبد نظام الملک مسجد جامع اصفهان نصب شده است، متن آن بدین شرح است:

«العزة لله جميعاً بحمدالله و حسن توفيقه که بتأييد مسند صدر نشین معزالله اولیائه و منزل اعدائه لوامع سرمکتوم و رمز مکنون مضمون یحواله الباطل و یحق الحق بکلماته از مشرق خاطر مهر انور اعلیحضرة شاه عالم پناه ظل الله ابوالمظفر شاه طهماسب بهادر خان خلدالله ملکه و سلطانہ نور تأثیر بر افق تقدیر انداخته در حین تقبیل عتبه علیه رضیه رضویه علی مشرفها الصلوة والتحيه جبین مبین اعتقادش بطلايه توبوا الى الله توبه نصحاً محلی و مطلی شده بعد از این توبه نصح از کل منکرات کوکب امر مطاعش بذروه اتباع رسید که فردی از افراد...» (هنرفر، ۱۳۴۴، ص. ۸۲).

علاوه بر این‌ها، در برخی دیگر از کتاب‌های تاریخی نیز اشاراتی به توبه شاه طهماسب گردیده است از آن جمله است: تاریخ سلطانی (حسینی استرآبادی، ۱۳۵۸، ص. ۵۴)، خلاصه التواریخ (قاضی احمد قمی، ۱۳۸۲، ص ۱/۲۲۵-۲۲۹)، عالم آرای عباسی (اسکند بیک ترکمان، ۱۳۸۲، ص ۱/۱۲۲-۱۲۴) و تکمله الاخبار (عبدی بیک شیرازی، ۱۳۶۹، ص. ۷۶-۷۷).

توبه نامه امیران و سرداران صفوی

از پیامدهای گسترده سیاسی-فقهی توبه شاه طهماسب اول صفوی این بود که منجر به گرویدن جمع کثیری از امیران و سرداران و گاه عامه مردم به توبه نمودن شد و در این میان توبه شاه طهماسب همواره به عنوان نمونه و الگویی اهمیت خود را حتی در خارج از قلمرو حکومت صفویه نیز حفظ کرد.

از آن جمله است توبه‌نامه مهدی قلی بیگ امیر آخور، توبه‌نامه اغور ابوطالب ایشیک آغاسی شاملو، توبه‌نامه حسین علی میرآخور باشی و توبه‌نامه محمد تقی تبریزی. در این میان بخش‌هایی از این توبه‌نامه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مهدی قلی بیگ امیر آخور باشی (م. ۱۰۲۷ قمری) فرزند آقا علی خان جانی قربانی از ملازمان معتمد و مقربان صاحب رای و مشاوران صاحب نام و میر آخور شاه عباس اول صفوی بود. وی پایگاه بلندی نزد شاه عباس اول داشت، به همین جهت اسکندر بیک منشی از او با لقب (مقرب الحضرة) یاد کرده است.

از مهدی قلی بیگ میر آخور باشی توبه‌نامه‌ای به تاریخ اوائل رجب المرجب سال ۱۰۱۳ به قلم میر قاری گیلانی باقی مانده است که در نوع خود بسیار جالب است.

این توبه‌نامه که به قلم منشی آن، ملا میر قاری گیلانی با استفاده مناسب از آیات، احادیث، اشعار نغز و واژگان دلنشین و آرایه‌های لفظی و معنوی، همراه با نثری زیبا و مسجع نوشته شده و نام مهدی قلی بیگ در متن توبه‌نامه بعد از مقدمه عالمانه منشی آن آمده است.

این توبه‌نامه سراسر پند و اندرز است و به بی وفایی و زودگذر بودن عمر اشاره شده است.

مهدی قلی بیگ با خداوند عهد بسته که دیگر گرد معاصی نگردد و سوگند غلاظ و شداد به رب العباد خورده که دیگر مباشر لواطه، زنا، کذب، افتراء، شرب خمر، اخذ ربا و امثال این‌ها از فسوق و معاصی نگردد (عرب پور، ۱۳۸۸، ۹/ص. ۲۰۶-۲۰۸).

از دیگر توبه‌نامه‌های برجای مانده دوران صفوی سه توبه‌نامه دیگر در مجموعه نسخ خطی ملک به شماره ۲۵۵۱ موجود است؛ شامل: توبه‌نامه اغور ابوطالب ایشیک آغاسی، توبه‌نامه حسین علی میرآخور باشی و توبه‌نامه از شخصی به نام محمد تقی تبریزی معرف عباس آباد اصفهان می‌توان یاد کرد.

از نکات مورد توجه در این توبه‌نامه‌ها می‌توان به نادم و پشیمان بودن ایشیک آغاسی از جمیع منهیات و محرمات به خصوص شرب خمر که از آن در متن توبه‌نامه به ام الخبائث و رأس الخطایا یاد شده است. احتمالاً اشاره به اهمیت این مسئله در نزد شاهان صفوی از زمان شکست در چالدران که یکی از دلایل این مسئله را شرب خمر سپاهیان دانسته، فرمان و تأکید بر ترک خمر از اصول مهم توبه‌نامه‌های عصر صفوی است (بی‌نا، بی‌تا، نسخه خطی ۲۵۵۱، ص. ۲۵۵a).

همچنین حسین علی میر آخور باشی در متن توبه‌نامه‌ای که به سال ۱۱۳۲ قمری تدوین شده علت توبه خود را بنا به درخواست پادشاه وقت دانسته که طی فرمانی که به اطراف بلاد فرستاده شده بود دست به توبه زده است. این امر بیانگر صدور فرمان‌های عمومی به اطراف بلاد در این دوران برای توبه بوده است (همان، ۲۶a).

همچنین از دیگر نکات مورد توجه در این دسته از متون برجای مانده، مفاد توبه‌نامه محمد تقی تبریزی و تأکید بر امور اخلاقی در متن توبه است. از جمله: توبه از غیبت و مسخره کردن مسلمانان، توبه از خوار و خفیف شمردن آن‌ها و جلوگیری از انجام کارهای شورش انگیز در محلی که صاحب قدرت بوده (عباس آباد اصفهان) و جلوگیری از به کار بردن کلماتی که منجر به رنجش و ناراحتی می‌گردد. همه این موارد نشان از ارتباط متن توبه با عمل توبه‌کننده و مناسبت بین آن با

مشاغل و حرف صاحب توبه داشته است. شاید بتوان ریشه این نوع مسائل اخلاقی را به پیشینه اخلاق فتوتی و جوانمردی صاحبان تصوف و گرایشات بر جای مانده در این دوره دانست هر چند که تأکید بر رعایت موازین اخلاقی خود از اصول مهم در شریعت محمدی است (همان، ص. ۲۸a، ۲۸b)

از نکات اعتقادی در متن این توبه‌نامه این است که تنها مسلمانانی که از خفیف شمردن مسلمانی دیگر توبه کرده باشند در روز جزا خفیف نخواهند شد. آن جا که «طومار کردار به سجل مفتی توبه رساند» (همان، ص. ۲۸a)

احتمالاً در میان جنگ‌ها و نسخ بی‌شمار بر جای مانده از دوران صفویه می‌توان به متن‌های دیگری از توبه‌نامه‌ها دست یافت که در شناخت تحولات سیاسی-مذهبی و اخلاقی این عصر بسیار ارزشمند و منحصر به فرد است.

توبه عامه مردم

توبه‌نامه دیگری که متن آن آورده می‌شود، توبه زنی است در حرم حضرت عبدالعظیم که در لابه لای جنگی از دوره صفوی آورده شده است، این توبه که به زبان ساده در حضور راوی و بعضی خدام حرم انجام شده، بیانگر عادی و عمومی شدن توبه در میان مردم بوده است که به راحتی قابل اجرا و ثبت گردیده است، هر چند نام توبه‌کننده و راوی توبه ذکر نشده است.

«بسم الله الرحمن الرحيم حسبى الله و نعم الوكيل الحمد لله غفار الذنوب و ستار العيوب و الصلوة والسلام على من بيده مفاتيح الشفاعة و كشف الكروب محرم اسرار الالهيه و مستودع امانات غيب الغيوب الحكيم الالهى و الطيب الحاذق الربانى الذى بشر مرضى النفوس المنهكة فى الشهوات المنقمة فى ظلمات اهوية المعاصى و الجهالات و عاجهم بمعاجين و عقاقير مقربة بقوله سبحانه تعالى يا عبادى الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعاً و على الله الهادين المهديين الذين باتباعهم يصح السير و السلوك من الرعية و الملوک عليهم صلوة الله و سلامه الى يوم المطوى فيه السجلات و الصكوك و بعد چون بساط عالم دنیای دنی پیچیدنی و شیرازه اوراق زندگانی چند روزه این عاریت سرای از هم گسستنی به مقتضای مثل الحیوة الدنيا که سراب بقیعة يحسبه الضمان ماء عروسان امید دادیش بغازه کاری فنا و نیستی آراسته و شاهدان انجمن اقبالش بکمر بند دثور و زوال پیراسته حال زیبایی رویش نقطه ایست موهوم و زلف کج دلارایش سلسله هموم و غموم، امنیت عیشش در حال استماع

نوای جرس الرحیل با شاهد عدم هم آغوش جرعه کشان صهبای بی هوشیش از دست ساقی
اذا جاء اجلهم لا يستقدمون ساعه و لا يستأخرون پیاله نوش زمزمه نوای انزلنا ههنا ثم امه ارتحلنا
بلند، صیادان نازعات و ناشطات فیا فی تمنّایش دست در کمند نعم ماقیل:

هر که آمد در جهان پر ز شور	عاقبت می‌بایدش رفتن بگور
در پی عقبا است دنیا چون پلی	بی وفا جائی و ویران منزلی
دل منه بر این پل پر ترس و بیم	برگ ره ساز و مشو اینجا مقیم
راستان درّ حقیقت سفته‌اند	عاقلان کاین خانه را خوان گفته‌اند

بنابراین عاقل هوشیار را سزاوار آن که بمدلول «موتوا قبل ان تموت» و به مضمون «حاسبوا
قبل ان تحاسبوا» متذکر امر آخرت که مقام عیش جاودانی است گردیده و از گزند آلام و استقام
دنیوی که اندکی از هزاران سرمشق عقوبت غضب قهاری در دست گرفته من الله القهار الی الله
الغفار قرار و مستمسک به حبل‌المتین رسول مختار و معتصم بعروۃ الوثقی آل اطهار و اوصیاء ابرار
او شده از مجموع معاصی استغفار و بداند که مرحمت خداوند لایتناهی و غضبش غیر متناهی لکن
غضبش مسبوق بر رحمت، بلکه غضبش عین رحمت، قال الشاعر:

مکن طعنه یُخ مال نه دن زهر نه دن گنه بو مسئله دن تار نه در نور نه در^۱

مراتب این چنین چهره‌نمای صورت حال ضعیفه مستوره مسطوره مسما بفلانه، که چون
چندی در شبکیات وساوس شیطانی، در طلسمات اهویه نفسانی گرفتار لذا مستهدفه سهام حوادث
روزگار گردیده، در بقعه مبارکه امام زاده واجب‌التعظیم سید عبدالعظیم طاب ثراه، التجاء در آنجا
به تضرع و زاری و توبه و انابه مشغول در این اوقات که اقل خلایق علماء و عملا و اکثرهم خطاء و
زللا مشرف به زیارت بقعه مبارکه، معظمه مسطوره گردیده، ضعیفه مشارالیها در روضه متبرکه در
حضور اقل خلایق و بعضی خدام روضه متبرکه مسطوره از جمیع گناهان گذشته صغیرها و کبیرها
ظاهر و خفیهها عمدها و خطاها توبه و انابه نموده کلمه طیبه استغفرالله ربّی و اتوب الیه بر زبان
جاری و تضرع واستغاثه بدرگاه باری نموده و التماس که اقل عباد ورقه به جهت اثبات توبه‌اش
نوشته باشم. لهذا به تحریر این ذریعه اقدام امید دارم که خداوند توبه او را قبول و ثبتها الله با القول
الثابت و هدینا الله و ایّاه و اعادنا و ایّاه بجاه محمّد و آله الطاهیرین المعصومین (بی‌نا، بی‌تا، نسخه
خطی ۱۰۴۹، ص. ۱۹۰-۱۹۳).

۱. شعر ترکی: طعنه نزن به کسی که مال دارد یا زهر دارد، این مسئله مانند کسی است که تاریک دارد یا روشنایی.

نتیجه‌گیری

هر چند بحث توبه به عنوان یکی از مسائل مهم فقه‌ای در عصر صفویه برای کنترل حقوق فردی و حکومتی و اجرای قوانین سیاسی و اقتصادی فقه شیعه، مورد استفاده قرار گرفته است، لیکن با توجه به نتایج عملی توبه در جامعه می‌توان گفت طرح توبه اگر چه از یک جهت منجر به ثبات قدرت سیاسی شیعه در دوران حکومت صفویه گردید و پایه‌های عرفی فقهت را مستحکم‌تر نمود و منجر به تشکیل حقوق جزایی اسلامی گردید، ولی خود به عنوان پارادیم ضعف و انحطاط دولت صفوی در طول حدود دو و نیم سده حکومتشان همچنان تحدیدی جدی برای شاهان صفوی به شمار می‌رفت. این امر تا بدان جا پیش رفت که بسیاری از گناهانی که از آن توبه نموده بودند فقط در حد لفظی باقی ماند و روی آوردن آنان به مجالس بزم و شرابخواری و سایر گناهان سبب غفلت شاهان صفوی از دشمنان سنی مذهبشان به ویژه افغانه گردید تا جایی که با حمله اشرف افغان به تختگاه اصفهان شاه سلطان حسین که همچنان در مجلس شرابخواری بود قدرت را به رقیبان سنی تازه نفس سپرد.

منابع

- آقاجری، سید هاشم (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی*. چ ۱، تهران، انتشارات طرح نو.
- استورات، دون جی (۱۳۸۱). نکاتی درباره مهاجرت فقهای عاملی به ایران در عهد صفویه. ترجمه محمد کاظم رحمتی، کتاب ماه دین، ۵۶ و ۵۷، ۸۲-۹۹.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳). *شرعی‌سازی قدرت سیاسی. فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۴، ۲۷۵-۲۹۸.

۱. برخورد ضد و نقیض شاهان صفوی پیرامون مسئله شراب یکی از مواردی است که خود در جایی مستقل نیاز به بررسی دارد. در این میان شاه عباس اول، شاه صفی و شاه سلطان حسین از مشهورترین شاهان شرابخوار صفوی بودند. چنان که اقدامات شاه عباس اول در وادار نمودن ارکان دولت به شرابخواری با تشکیل مجالس بزم، شکستن توبه ملاجلال منجم به اجبار و تشویق او به شرابخواری در ۱۰۲۹ قمری و سپس ممنوع نمودن نوشیدن شراب در اردبیل از تناقضاتی است که در توبه و عمل به آن نهفته است. شاه صفی نیز که خود در سن ۳۲ سالگی در اثر افراط در شرابخواری در گذشت از کسانی بود که فرمان منع شرابخواری را صادر و مدتی بعد خود به آن روی آورد و جانش را نیز در این راه گذاشت.

شاید قابل‌توجه‌ترین شاه شرابخوار صفوی را بتوان شاه سلطان حسین دانست. وی گرچه در پنج ساله نخست سلطنتش زیر نفوذ شیخ الاسلام وقت محمد باقر مجلسی از منکرات و منهیات توبه نمود لیکن به مشهورترین شاه شرابخوار عصر صفوی بدل گردید. علاوه بر این نگارش رسالاتی چون: «رساله فی طهاره الخمر» و دیگر «جام جهان نمای عباسی» در توجیه شرابخواری برای شاهان صفوی دیدگاه ما را در خصوص نگرش پادشاهان صفوی به پذیرش توبه و جایگاه آن تا حدودی مورد تردید قرار می‌دهد (نک: آقاجری، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۸، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۷، ص. ۳۰۸-۳۱۰، ص. ۴۸۷، ۴۹۱، ص. ۳۴۰-۳۴۲، ص. ۴۱۹).

(برای نمونه: فرمان ترک منهیات و شرابخواری از شاه سلطان حسین صفوی نک: مخلص، بی تا، ص. ۸۱-۸۳، نیز نک: نصیری، ۱۳۷۳، ص. ۹-۱۲؛ پیرامون توبه شاه صفی نک: بی تا، بی تا نسخه ۳۴۵۵).

- جعفریان، رسول (۱۳۷۷). امر به معروف و نهی از منکر در دوره صفوی. کیهان اندیشه، ۸۲، ۶۶-۹۶.
- حسینی استرآبادی، سید حسن بن مرتضی (۱۳۵۸). *از شیخ صفی تا شاه صفی از تاریخ سلطانی*. به اهتمام احسان اشراقی، تهران، انتشارات علمی.
- حسینی زاده، سید محمد علی (۱۳۷۸). *اندیشه سیاسی محقق کرکی*. قم، مؤسسه بوستان کتاب قم.
- انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۸۵). *صد میدان*. تهران، سبکباران.
- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹). *فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)*. ج ۳، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- رجبی، محمد حسین (۱۳۸۸). *آراء فقیهان عصر صفوی درباره تعامل با حکومت‌ها*. *مجله تاریخ و تمدن اسلامی*، ۵(۹)، ۵۳-۸۰.
- رضایی، امید (۱۳۸۵). *جستارهایی در سندشناسی فارسی*. تهران، نشر صائن.
- رضایی، امید (۱۳۸۷). *درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار*. توکیو، مؤسسه مطالعات زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا، دانشگاه مطالعات خارجی توکیو.
- روملو، حسن بیک (۱۳۵۷). *احسن التواریخ*. به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات بابک.
- صفوی، شاه طهماسب (۱۳۶۳). *تذکره شاه طهماسب*. مقدمه و فهرست: امرالله صفری، تهران، انتشارات شرق.
- صدر جهان طبسی (بی‌تا). در بیان وجوب و اثبات توبه و فضیلت آن. مجموعه ۱۷۷ رساله (جامع ابن خاتون)، کتابخانه شماره یک مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی شماره ۵۱۳۸.
- طباطبایی فر، سید محسن (۱۳۸۳). *فقها و حکومت‌های جور (از شروع غیبت صفرا تا ابتدای صفویه)*. *مجله علوم سیاسی*، ۷(۲۵)، ۸۵-۹۶.
- طباطبایی فر، سید محسن (۱۳۸۹). *پیامدهای دولت صفوی برای فقه سیاسی شیعه*. *فصلنامه علوم سیاسی*، ۱۳(۵۰)، ۸۱-۱۰۶.
- عبدی بیک شیرازی (۱۳۶۹). *تکمله الاخبار*. تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، نشر نی.
- عرب پور، ابراهیم (۱۳۸۸). *توبه‌نامه مهدی قلی بیک جغتایی*. مجموعه *رسائل خطی فارسی*، ج ۹ مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، ۲۰۶-۲۲۰.
- عظیمی، حبیب الله (۱۳۸۵). *تاریخ فقه و فقها*. تهران، انتشارات اساطیر.
- قاضی احمد قمی (۱۳۸۲). *خلاصه التواریخ*. تصحیح احسان اشراقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کیانی فرید، مریم؛ عروج نیا، پروانه (۱۳۹۳). *توبه*. *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۸، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- م.م «جنگ دوره صفوی». کتابخانه شماره یک مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی شماره ۱۰۴۹.
- م.م «مجموعه». کتابخانه ملی ملک، نسخه خطی شماره ۲۵۵۱.
- م.م «جنگ دوره صفوی». کتابخانه شماره یک مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی شماره ۳۴۵۵.

محقق سبزواری (۱۳۸۱). *روضه الانوار عباسی*. به کوشش نجف لکزایی، قم، بوستان کتاب قم.

مخلصی، محمد علی (بی تا). *آثار تاریخی سمنان*. بی جا، بی نا.

مرقاتی، سید طه (۱۳۹۳). *حق الله و حق الناس*. *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۳، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی.

منجم، ملاکمال (بی تا). *زبدۃ التواریخ*. کتابخانه شماره یک مجلس شورای اسلامی، نسخه خطی ۹۵۴۴.

مودن زادگان، حسنعلی (۱۳۸۷). *نقش توبه در سقوط مجازات از دیدگاه قرآن کریم و حقوق کیفری*. *قرآن و حقوق* (۲)، مجموعه مقالات، تهران، مؤسسه نشر شهر.

نصیری، ابراهیم بن زین العابدین (۱۳۷۳). *دستور شهریاران*، تصحیح محمد نادر نصیری مقدم، تهران، بنیاد موقوفات افشار.

هنر فر، لطف الله (۱۳۴۴). *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*. اصفهان، ثقفی.

پیوست

جدول فراوانی توبه نامه‌ها در دوره صفویه

ردیف	توبه کننده	مأخذ
الف		توبه پادشاهان صفوی
۱	شاه طهماسب اول	مجموعه ۱۷۷ رساله (جامع ابن خاتون)، نسخه خطی شماره ۵۱۳۸
۲	شاه صفی	جنگ دوره صفوی، نسخه خطی شماره ۳۴۵۵
۳	شاه عباس دوم	ملاکمال منجم، <i>زبدۃ التواریخ</i> ، نسخه خطی شماره ۹۵۴۴
۴	شاه سلطان حسین	جنگ دوره صفوی، نسخه خطی شماره ۳۴۵۵
ب		توبه امیران و فرماندهان صفوی
۱	مهدی قلی بیک امیر آخور	مجموعه، نسخه خطی شماره ۳۸۴۶
۲	اغور ابوطالب ایشیک آقاسی شاملو	مجموعه، نسخه خطی شماره ۲۵۵۱
۳	حسین علی میر آخور باشی	مجموعه، نسخه خطی شماره ۲۵۵۱
۴	محمد تقی تبریزی	مجموعه، نسخه خطی شماره ۲۵۵۱
		توبه عامه مردم
	توبه زن ناشناس در حرم حضرت عبدالعظیم	جنگ دوره صفوی، نسخه خطی شماره ۱۰۴۹